

# سازمان تجارت جهان ومسأله الحاق ایران



دکتر محمود جلالی

استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

الهام عباسی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی تهران

## مقدمه

پیوستگی روزافزون اقتصاد جهانی و گسترش همکاریهای چندجانبه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی میان کشورها حکایت از ضرورتی دارد که در قرن بیست‌ویکم روابط تجاری را در سطح جهانی کاملاً دگرگون کرده است. پس از فروپاشی بلوک شرق و در نتیجه‌ی گسترش بازارهای جهانی در دهه‌ی ۹۰ همچنین تضعیف نظام اقتصادی منطقه‌ای، گسترش فناوری و توسعه‌ی تجارت به حوزه‌ی خدمات که همگی منجر به تسریع روند جهانشمولی اقتصادی شد، کشورهای جهان را براساس ضرورت‌های موجود ناگزیر به تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) کرد که جایگزین موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات)<sup>۲</sup> در عرصه‌ی تجارت جهان گردید. این سازمان بزرگترین نهاد بین‌المللی است که با وضع قواعد و مقررات برای قانونمند کردن تجارت بین کشورها فعالیت می‌نماید. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است تا از این طریق

تجارت بین کشورها حتی المقدور روان تر و کم هزینه تر انجام شود. مطابق با مقدمه‌ی موافقتنامه، نظارت بر تجارت بین‌المللی برای تضمین جریان روان، بدون مانع، قابل پیش‌بینی و آزاد تجارت، از وظایف سازمان تجارت جهانی است. نکته‌ی قابل توجه در تمامی مراحل تکوین تحولات اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی طی سالهای پس از جنگ جهانی اول و تشکیل سازمانها و موافقتنامه‌های تجارت جهانی بهره‌مندی از اصل مزیت نسبی و به مفهومی دیگر ایجاد شرایط و زمینه‌های مورد نظر به منظور بروز خلاقیت‌ها و برخورداری کشورها از توانمندیهای بالفعل و بالقوه‌ی آنها به منظور حضور هر چه مؤثرتر در صحنه‌ی اقتصاد و تجارت بوده است (۴).

تشکیل سازمان به این تقاضا جامه‌ی عمل پوشانید. گرچه سازمان تجارت جهانی را از زوایای مختلف می‌توان تحلیل کرد، این مقاله نگاهی حقوقی به این سازمان دارد. با توجه به درخواستهای مکرر ایران برای عضویت در این سازمان جهانی، بحث الحاق ایران نیز از اهداف این پژوهش است.

### تاریخ تحولات مربوط به

### تأسیس سازمانهای تجاری بین‌المللی

سازمان تجارت جهانی در حال حاضر یگانه سازمان بین‌المللی با صلاحیت جهانی است که در ارتباط با قواعد و مقررات تجارت بین‌الملل فعالیت می‌نماید. این سازمان در واقع جایگزین توافقنامه‌ی کلی تعرفه‌ها و تجارت (گات) شد که از سال ۱۹۴۷ شکل گرفته بود و با آنکه صرفاً یک متن حقوقی و موافقتنامه‌ی بین‌المللی بود، عملاً به صورت یک سازمان بین‌المللی هم عمل می‌کرد. تأسیس گات از سال ۱۹۴۸ شروع شد و با هشت دور مذاکراتی ادامه و گسترش یافت که در نهایت در دور اورگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) که آخرین و یکی از بزرگترین دورها بود سازمان تجارت جهانی ایجاد شد (۷: ص ۶۵).

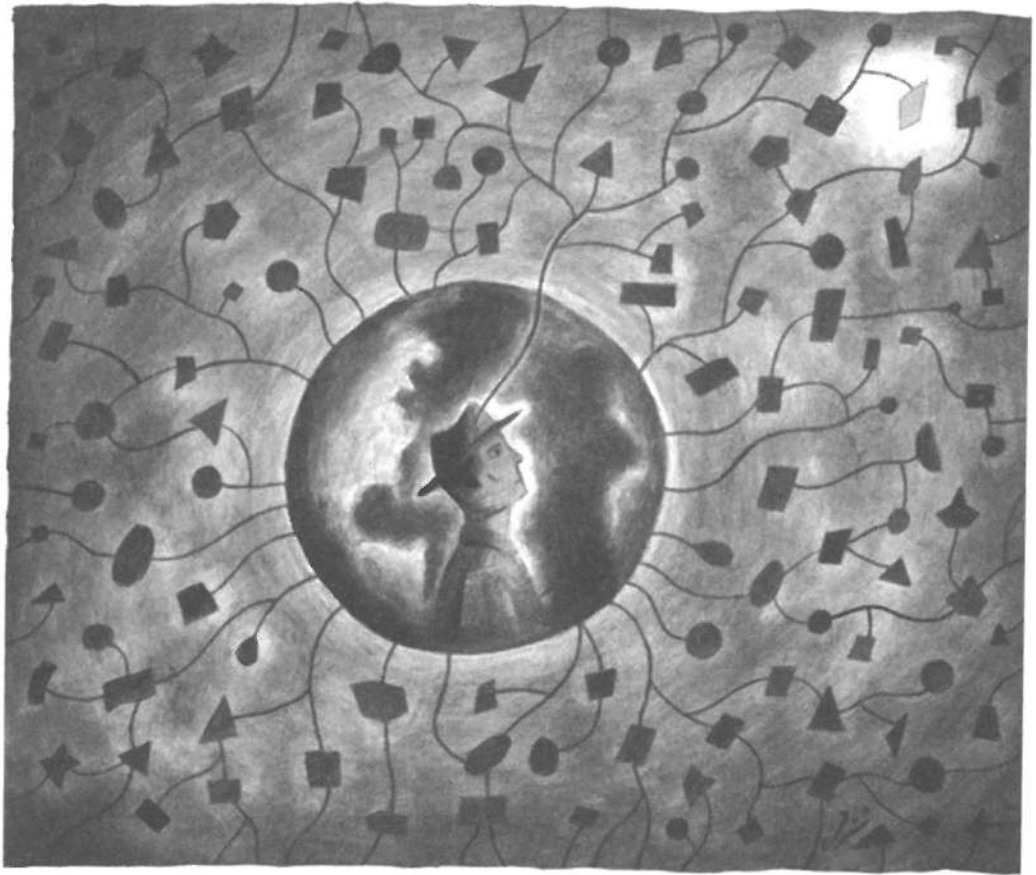
گات که خمیرمایه‌ی ایجاد سازمان تجارت جهانی گردید، موافقتنامه‌ی چندجانبه‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم با همکاری مؤسسات بروتن وودز، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایجاد شد، تا برای استقرار یک ساختار توانمند اقتصادی برای کشورهای جهان برنامه‌ریزی کند. مسأله‌ی اساسی موجود در این موافقتنامه، کاهش تعرفه‌های بازرگانی و آزادسازی تجارت بین‌المللی و همچنین کمک به توسعه‌ی اقتصادی و رفاه مردم جهان و در نهایت رفع تبعیض در روابط تجاری بین دولت‌ها است (۶).

در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بیست و سه کشور سندی را امضا کردند که متن «توافقنامه‌ی کلی تعرفه‌ها و تجارت» بود. با وجود اینکه در این متن شرایط مفصلی برای عضویت در این توافقنامه وجود داشت، از این شرایط استفاده نشد، بلکه هشت کشور اصلی شرکت‌کننده در مذاکرات مربوط به توافقنامه پروتکلی را با عنوان «پروتکل اجرای موقت» امضا کردند که در آن توافق نمودند از تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۸ توافقنامه‌ی کلی با رعایت شرایط خاصی به اجرا در آید. بقیه‌ی کشورها نیز توافق کردند که بعداً توافقنامه را به اجرا بگذارند. انعقاد این توافقنامه که قرار بود تحت نظارت و مدیریت یک سازمان بین‌المللی تجاری باشد، اولین اقدام برای ایجاد نظم تجاری بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم بود. (۷: ص ۷۶)

گات اکنون به عنوان یک سازمان بین‌المللی عمل نمی‌کند، اما موافقتنامه‌ای در شکل جدید و اصلاح شده (گات ۱۹۹۴) وجود دارد و متن قدیمی هم به عنوان گات ۱۹۴۷ شناخته می‌شود. گات ۱۹۹۴ همراه با دو سند اصلی دیگر یعنی «توافقنامه‌ی کلی تجارت خدمات (گاتس)» و «توافقنامه‌ی جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی (تریپس)» تحت حمایت یک سازمان واحد (WTO) قرار دارند. ۱۲۸ کشوری که تا سال ۱۹۹۴ گات را امضا و «طرفهای متعاقد» آن محسوب می‌شدند و با امضای توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی. که گات ۱۹۹۴ را هم شامل می‌شد. رسماً کشورهای عضو WTO شدند (۷: ص ۶۷۶۸).

اهداف اصلی اقتصادی «توافقنامه‌ی کلی» بر مبنای مقدمه‌ی آن بهبود وضع زندگی، تأمین شرایط اشتغال کامل، افزایش مداوم درآمد خالص و تقاضای مؤثر، استفاده‌ی کامل و بهینه از منابع جهانی و نیز توسعه‌ی تولید و مبادله‌ی کالا است، که منجر به تحمیل تعهداتی بر کشورهای متعاقد، از جمله اعمال مطلوب‌ترین رفتار با دول متعاقد (یا شرایط دول کامله الوداد)؛ رعایت حداکثر سطح تعرفه‌هایی که در جدول اعطای امتیازات مقرر شده است، محدود نمودن یا در بعضی موارد خودداری از استفاده از برخی معیارهای غیرتعرفه‌ای منحرف‌کننده تجارت، استفاده از آیین خاص برای حل اختلافات و وضع مقررات و قوانین تجاری صریح و شفاف و انتشار آنها به طوری که به راحتی برای همه قابل فهم و دسترسی باشد، شده است. مقدمه‌ی «توافقنامه‌ی مؤسس» سازمان تجارت جهانی نیز شامل همان اهداف توافقنامه‌ی کلی

سازمان تجارت جهانی در حال حاضر یگانه سازمان بین‌المللی با صلاحیت جهانی است که در ارتباط با قواعد و مقررات تجارت بین‌الملل فعالیت می‌نماید. این سازمان در واقع جایگزین توافقنامه‌ی کلی تعرفه‌ها و تجارت (گات) شد که از سال ۱۹۴۷ شکل گرفته بود.



است. به علاوه این اهداف در جهت توسعه، تولید و تجارت خدمات به همان صورتی که در توافقنامه‌ی مؤسس بیان شده است، می‌باشد. به این منظور باید تلاشی به عمل آید که کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در گسترش تجارت بین‌الملل سهمی معادل نیازهای توسعه‌ی اقتصادی‌شان داشته باشند و همچنین از محیط‌زیست حفاظت و حراست به عمل آید. در واقع سازمان تجارت جهانی نمونه‌ی توسعه یافته‌ی گات است و اصول مهم گات که تقریباً همگی اصولی حقوقی می‌باشند در دو توافقنامه‌ی اصلی دیگر موجود است. البته سازمان توافقنامه‌ای خاص به‌عنوان مبنای حقوقی منطقی خود نیز دارد.

### معرفی سازمان تجارت جهانی و اهداف آن

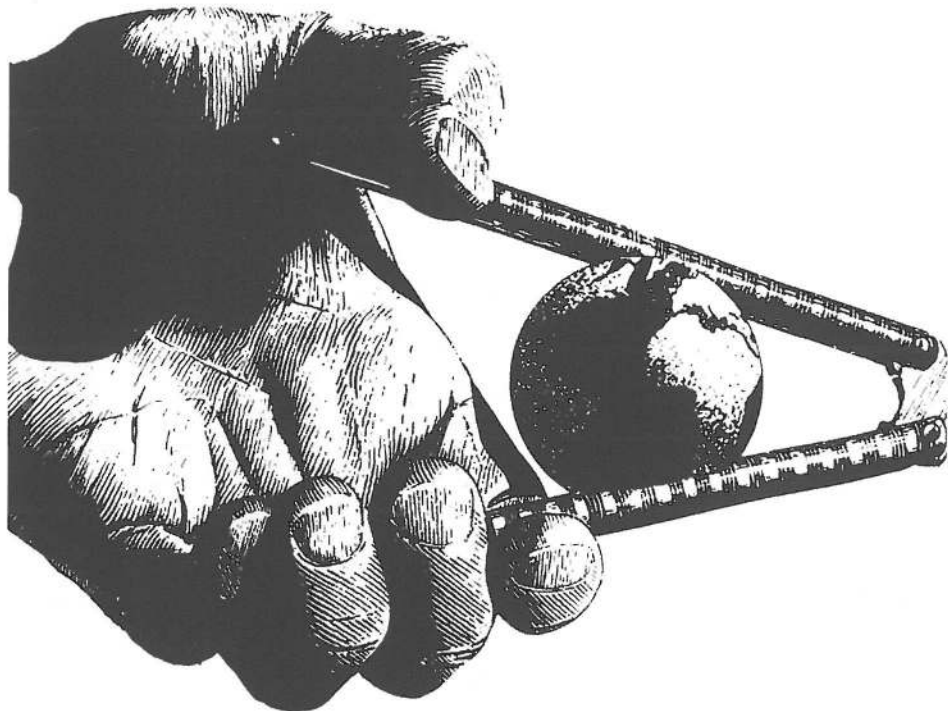
همان‌طور که گفته شد سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ به موجب توافقنامه‌ای (توافقنامه‌ی مؤسس) در مذاکرات مربوط به گات در دور اوروگوئه که در سال ۱۹۹۴ در مراکش امضا شد، تأسیس گردید. توافقنامه‌ی مؤسس سازمان تجارت جهانی چارچوبی سازمانی ایجاد کرد که توافقنامه‌های متعدد از جمله نمونه‌ی تعدیل

شده‌ی گات را تحت پوشش خود قرار داده است. گات اکنون به‌عنوان کتاب قانون یا قواعد اصلی مربوط به تجارت کالا در سازمان تجارت جهانی می‌باشد. مطابق با مقدمه‌ی توافقنامه‌ی مراکش هدف اصلی اعضا، ایجاد یک نظام تجاری بین‌المللی آزاد و بدون تبعیض به‌منظور توسعه‌ی مبادلات تجاری بین‌المللی است تا از این طریق زمینه‌ی اشتغال کامل، افزایش مداوم درآمدها، استفاده‌ی کامل و بهینه از منابع، ارتقای سطح زندگی مردم و همچنین رونق اقتصادی کشورهای عضو ایجاد گردد (۵).

هدف اصلی توافقنامه‌ی کلی و توافقنامه‌ی مؤسس سازمان تجارت جهانی، بنابر مقدمه‌ی هر دو سند، بهبود، توسعه و رفاه زندگی مردم کشورهای مختلف بوده است که حصول این هدف در تجارت آزاد جهانی قابل مشاهده است. به همین منظور اصول سه‌گانه‌ی کلی و جامع حاکم بر تجارت داخلی و خارجی که در کنار هم قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

۱. «اصل الغای کلیه‌ی تبعیض‌های تجاری: در این خصوص اصولی مانند رفتار ملی (عدم تبعیض میان تولیدات داخلی و خارجی)، اصل دول کامله الوداد (عدم

گات که  
خمیرمایه‌ی ایجاد  
سازمان تجارت  
جهانی گردید،  
موافقتنامه‌ی  
چندجانبه‌ای است  
که بعد از جنگ  
جهانی دوم با  
همکاری مؤسسات  
بروتن وودز، بانک  
جهانی و صندوق  
بین‌المللی پول  
ایجاد شد، تا برای  
استقرار یک  
ساختار توانمند  
اقتصادی برای  
کشورهای جهان  
برنامه‌ریزی کند.



قاعده‌ی توافقنامه‌ی کلی اصلاح شده و در دور اورگوته همچنان در چارچوب سازمان تجارت جهانی به عنوان توافقنامه‌ی اساسی برای تجارت کالا باقی ماند. توافقنامه‌ی کلی ضمایمی مربوط به بخش‌های خاص نظیر کشاورزی و منسوجات دارد و به موضوعات خاصی مانند تجارت بدون تبعیض، تجارت دولتی، یارانه‌ها و استانداردهای محصولات و اقداماتی می‌پردازد که باید در مقابل اقدامات بازارشکنی کالا (دامپینگ / Dumping) صورت گیرد (۷: ص ۷۰-۶۹).

گرچه توافقنامه‌ی کلی ۱۹۴۷ دیگر وجود ندارد، و توافقنامه‌ی کلی ۱۹۹۴ (نمونه‌ی اصلاح و تعدیل شده‌ی توافقنامه‌ی کلی ۱۹۴۷) به عنوان یک سازمان مستقل و یک نهاد بین‌المللی شناخته نمی‌شود، اما حقوق و تکالیف ماهوی موجود در توافقنامه و همچنین اسناد ضمیمه‌ی آن، قسمت اصلی توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند. همچنین عنوانهای جدید توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی مانند تجارت خدمات و یا حقوق مالکیت معنوی به صورت گسترده‌ای از مفاهیم اساسی و اصول موجود در توافقنامه‌ی کلی تأثیر گرفته‌اند.

مقررات «توافقنامه‌ی کلی» مقررات حقوقی هستند که بیانگر اصول حقوق اساسی در تجارت بین‌المللی است؛ از جمله‌ی این اصول می‌توان از اصل عدم تبعیض در تجارت بین‌الملل، بازار آزاد (تجارت آزاد)، تجارت منصفانه، اصل اعطای امتیازات متقابل و استثناء، اعطای امتیازات یکطرفه (به کشورهای در حال توسعه) که مبانی توافقنامه‌ی کلی هستند، نام برد. می‌توان گفت چنانچه طرفین توافقنامه‌ی کلی و سازمان تجارت جهانی شناخت لازم را از این اصول یا کلاً از مقررات آیین توافقنامه‌ی کلی یا سایر توافقنامه‌های سازمان نداشته باشند، قطعاً از امکان رقابت در بازار جهانی محروم هستند و این در صورتی است که طرفین دیگر ممکن است از این حربه برای مبارزه و رقابت تجاری آگاهی کافی داشته باشند و یقیناً با این وضعیت بازار را به سهولت در دست خواهند گرفت. در بازار داخلی نیز وضع به همین منوال است. مثلاً زمانی که بازرگانان از این اصول و قواعد آگاهی نداشته باشند در مقابل هجوم بازرگانان خارجی امکان دفاع و حفظ بازار خود را از دست خواهند داد. همچنین برای آنها این نکته مهم است که چون دولت متبوع آنها طرف توافقنامه است، فقط آنها می‌توانند علیه دولتهای دیگر عضو توافقنامه ادعایی را مطرح نمایند. بنابراین اگر

تبعیض میان کشورهای متعاقد و اصل منع اصول اعطای یارانه و مساعدت به کالاهای داخلی در برابر کالاهای خارجی به کار گرفته می‌شوند.

۲. اصل منع محدودیت در جریان تجارت: برای این منظور الزام به کاهش تعرفه‌ها، سلب حق افزایش آنها، منع سهمیه‌بندی واردات و صادرات وضع مالیات و عوارض گمرکی بیش از حد برای ورود کالا به کشور پیش‌بینی شده است.

۳. اصل رقابت سالم و بدون سوء نیت: این اصل با منع امتیاز و کمک غیرموجه (یارانه) به محصولات داخلی به منظور از بازار خارج کردن محصولات خارجی و منع فروش کالا و خدمات در کشور دیگر به زیر قیمت اصلی به ویژه به منظور بازارشکنی محصولات داخلی آن کشور و منع رواج بازرگانی دولتی برای استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی در امر تجارت، محقق می‌سازد (۷: ص ۸۰).

باید گفت که یک دولت برای عضویت در سازمان تجارت جهانی باید قبلاً مذاکراتی را در خصوص الحاق به گات انجام داده و به عضویت آن در آمده باشد. توافقنامه‌ی کلی گات با تجارت کالا آغاز شد که از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴ محل مذاکره‌ی کاهش نرخ‌های عوارض گمرکی و سایر موانع تجارت بوده است. از سال ۱۹۹۵

سازمان تجارت جهانی سازمانی بین‌المللی است که اجرای تعهدات ناشی از موافقتنامه‌ی آن باید عمدتاً از رهگذر قوانین داخلی سازمان صورت گیرد. بنابراین کشورهای عضو با تصویب این قوانین از طریق مجلس خود متعهد می‌شوند که مقررات سازمان را در کشور خود به اجرا در آورند.

اتباع شکایتی داشته باشند، باید دولت متبوعشان را قانع یا ترغیب نمایند که با توسل به اصل حمایت دیپلماتیک مقرر در حقوق بین الملل از طرف تبعه‌ی خود علیه دولت دیگر عضو، طرح دعوا نماید.

اکنون سازمان تجارت جهانی به صورت سازمانی واحد و توافقنامه‌ی مؤسس و کلیه‌ی ضمایم آن نیز به عنوان سندی واحد یا «مجموعه‌ای واحد» می‌باشد. کشورهایی که طرف توافقنامه‌ی کلی ۱۹۴۷ بودند و کشورهایی که مایل به الحاق به سازمان هستند باید این سند را به صورت مجموعه‌ی واحد بپذیرند. بنابراین کشوری که قصد دارد به عضویت سازمان تجارت جهانی در آید، ابتدا باید توافقنامه‌ی کلی ۱۹۹۴ و سایر توافقنامه‌های آن سازمان را بررسی کرده و بپذیرد. به علاوه به موجب ماده‌ی ۱۶ توافقنامه‌ی مؤسس سازمان تجارت جهانی تصمیمات و رویه‌های مورد عمل توافقنامه‌ی کلی ۱۹۴۷ برای این سازمان اهمیت اساسی دارد. ماده‌ی ۱۶ تصریح می‌نماید که «تصمیمات، آیین‌ها و رویه‌های عرفی که مجمع طرفهای متعاهد گات ۱۹۴۷ (توافقنامه‌ی کلی) و هیأت‌های سازمان‌یافته در چارچوب گات ۱۹۴۷ (توافقنامه‌ی کلی) از آنها تبعیت می‌کرده‌اند، راهنمای سازمان تجارت جهانی خواهد بود (ص: ۷: ۷۴). در مذاکرات دور اورگوئه مذاکرات و توافقات در خصوص تجارت کالا، تجارت گوشت گاو، لبنیات، تجارت هوایمایی کشوری، کشاورزی، منسوجات و پوشاک، تجارت خدمات و حقوق مالکیت معنوی انجام پذیرفت که سازمان تجارت جهانی همه‌ی آن توافقنامه‌ها را اکنون شامل می‌شود. در همین جا یادآور می‌شود که تجارت نفت در حال حاضر در چارچوب سازمان قرار نمی‌گیرد. با این حال تجارت فرآورده‌های نفتی مشمول نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

ساختار سازمان تجارت جهانی براساس ماده‌ی ۴ و ۶ توافقنامه‌ی مؤسس سازمان عبارت است از:

۱. کنفرانس وزیران: این کنفرانس مرکب از نمایندگان همه‌ی کشورهای عضو است و حداقل هر دو سال یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد. این کنفرانس وظایف سازمان را برعهده دارد. اختیار تصمیم‌گیری در مورد موضوعات تحت هر توافقنامه‌ی تجاری چندجانبه و اختیار تشکیل کمیته‌ی بودجه‌ی مالی و اداری برای انجام وظایف محوله‌ی تحت توافقنامه‌های چندجانبه و انجام سایر وظایف از اختیارات این کنفرانس است.

۲. شورای عمومی: این شورا نیز متشکل از نمایندگان کلیه‌ی اعضا است و در هر زمان که لازم باشد تشکیل

جلسه خواهد داد و در فواصل زمانی جلسات کنفرانس وزیران وظایف کنفرانس را برعهده خواهد داشت. «تفسیر» توافقنامه‌های مؤسس چندجانبه‌ی مندرج در ضمیمه‌ی ۱ از وظایف انحصاری این شورا است. شورای عمومی همچنین در صورت اقتضا برای ایفای وظایف «هیأت حل اختلاف» و وظایف «هیأت بررسی سیاست تجاری» تشکیل جلسه خواهد داد. ارتباط با سایر سازمانها و مسؤولیت مقررات مالی و بودجه و تعیین حق عضویت از وظایف این شورا می‌باشد. تشکیل یک هیأت حل اختلاف به موجب «تفاهم‌نامه‌ی حل اختلاف» برای رسیدگی به اختلافات اعضا و یک هیأت بررسی سیاست تجاری به موجب «سازوکار بررسی سیاست تجاری» نیز از اختیارات شورای عمومی است (ص: ۷: ۸۱).

۳. شوراهای تخصصی: این شوراهای عبارت‌اند از «شورای تجارت کالا»، «شورای تجارت خدمات»، «شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی» که شورای عمومی وظیفه‌ی هدایت آنها را دارد. نظارت بر اجرای توافقنامه‌های مربوط به موضوعات تخصصی و تشکیل هیأت فرعی از دیگر وظایف این شوراهاست.

۴. دبیرخانه‌ی سازمان: سازمان دارای یک دبیرخانه است که ریاست آن با دبیر کل خواهد بود. انتصاب دبیر کل از وظایف کنفرانس وزیران است و انتصاب کارمندان و تعیین وظایف و اختیارات دبیرخانه از وظایف دبیر کل است. مسؤولیت دبیر کل و کارمندان دبیرخانه منحصراً ماهیت بین‌المللی دارد.

اصولی و محوری‌ترین حقوق و تکالیف ماهوی دولت‌های متعاهد توافقنامه کلی در بخش اول، مواد ۱ و ۱۱ پیش‌بینی شده‌اند که براساس آنها طرفهای متعاهد خود را ملزم می‌نمایند که نسبت به یکدیگر یا تعرفه‌ها را از میان بردارند یا آنها را به حداقل برسانند. دیگر موضوعات ماهوی در بخش دوم توافقنامه یعنی در مواد III تا XVII بیان گردیده است که می‌توان آنها را در واقع تکالیف دولت‌ها در رفتار با دولت‌های دیگر یا اتباع این دولت‌ها در امر تجارت بین‌الملل (در ارتباط با کلیه‌ی کالاها اعم از اینکه در جدول‌های امتیازات تعرفه‌ای ذکر شده یا نشده باشند) دانست. در میان سایر مواد، مباحث حقوق شکلی و آیین رسیدگی به اختلافات دولت‌های متعاهد مطرح می‌شوند (ص: ۷: ۹۱-۹۲).

ایران هیچ‌گاه  
عضو گات نبوده  
است. بحث جدی  
راجع به عضویت  
آن اولین بار در  
سال ۱۳۷۰ ... در  
چارچوب لزوم  
گسترش روابط  
بین‌المللی و  
تقویت روابط  
خارجی مطرح  
شد. با  
بررسی‌های انجام  
شده در آن دوره  
این نتیجه حاصل  
شد که عضویت  
در گات در  
کوتاهمدت برای  
کشور نفعی  
نخواهد داشت و  
به کاهش  
درآمدهای دولتی  
منجر خواهد شد،  
گرچه در درازمدت  
می‌تواند متضمن  
منافعی برای  
کشور باشد

## مهمترین اصول و قواعد حقوقی ماهوی توافقنامه کلی

شرط مطلوب‌ترین رفتار با دول عضو (شرط دول کامله الوداد) شرط دول کامله الوداد که از اصول مبنایی توافقنامه است مقرر می‌دارد که هر کشور عضو متعهد می‌گردد که با کشورهای دیگر عضو مثل کشوری رفتار نماید که مطلوب‌ترین رفتار را در مورد صادرات و واردات با او دارد. تعهد به عدم تبعیض بین کشورهای عضو اصل پیچیده‌ای است که به راحتی می‌تواند باعث نقض توافقنامه شود، زیرا رعایت رفتار تجاری مساوی در بین کشورهای که روابط سیاسی اجتماعی نامساوی بین آنها وجود دارد مسأله‌ی ساده‌ای نیست. البته استثنائاتی هم بر این اصل وارد شده است که تأسیس اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری مانند منطقه‌ی آزاد تجاری ایفتا (EFTA) و اتحادیه یا جامعه اقتصادی اروپا (EEC) از جمله‌ی آنها می‌باشد.

### تعرفه‌ها

به موجب ماده ۱۱ توافقنامه‌ی کلی، هر کشور عضو تعهد می‌نماید که حداکثر منافع تعرفه‌ای که برای هر محصولی در جدول تعرفه‌ی آن کشور مشخص شده است برای کشورهای دیگر عضو در نظر بگیرد. «اصل موازنه‌ی مزایا» از اصول مبنایی توافقنامه‌ی کلی است که بر طبق آن هر کشور در مقابل مزایایی که از کشوری دریافت می‌کند باید در عوض آن امتیاز متقابلی بدهد. به همین ترتیب هر کشور که امتیازی را از کشور دیگر از طریق وضع تعرفه سلب نماید، کشور متأثر شده نیز مزایایی معادل آن را از این کشور پس خواهد گرفت (۷: ص ۹۵).

### موانع غیرتعرفه‌ای

هر کشوری از طریق مقررات داخلی به راحتی می‌تواند کالاهای داخلی خود را به صورت تبعیض آمیزی در برابر کالاهای وارداتی حفظ کند که با اعمال اصل موانع غیرتعرفه‌ای در زمینه‌ی صادرات و واردات می‌توان از چنین تبعیضی جلوگیری به عمل آورد.

یکی از توافقنامه‌های ضمیمه‌ی شماره‌ی ۱. الف توافقنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی «توافقنامه‌ی موانع فنی تجارت» می‌باشد که مقرر می‌دارد، گرچه غالب کشورها مقرراتی دارند که الزام می‌نماید محصولات وارداتی آنها با استانداردهای اجباری وضع شده‌ی داخلی

به منظور حمایت از بهداشت و ایمنی و حفظ محیط‌زیست مغایرت نداشته باشند، نباید چنین استانداردهای اجباری به گونه‌ای وضع شوند که موانع غیرضروری بر سر راه تجارت بین الملل ایجاد کنند. لیکن توافقنامه، با آنکه کشورها را مکلف نموده لزوماً از وضع استانداردهای اجباری داخلی خودداری کنند، بر به کارگیری استانداردهای بین المللی مورد توافق تأکید کرده است (۷: ص ۹۸).

### اصل رفتار ملی

این اصل تأکید بر رفتار مساوی در برخورد با کالاهای وارداتی در برابر کالاهای داخلی دارد (ماده‌ی ۳ توافقنامه‌ی کلی). گرچه در بسیاری از عهدنامه‌های دو جانبه مودت، بازرگانی و ناوبری این اصل از عناصر اساسی است، توافقنامه‌ی کلی که عهدنامه‌ی چندجانبه است در آن اصل رفتار ملی در ارتباط با مالیات‌ها و مقررات داخلی نمایان شده است (۷: ص ۹۹).

### سهیمه‌ها

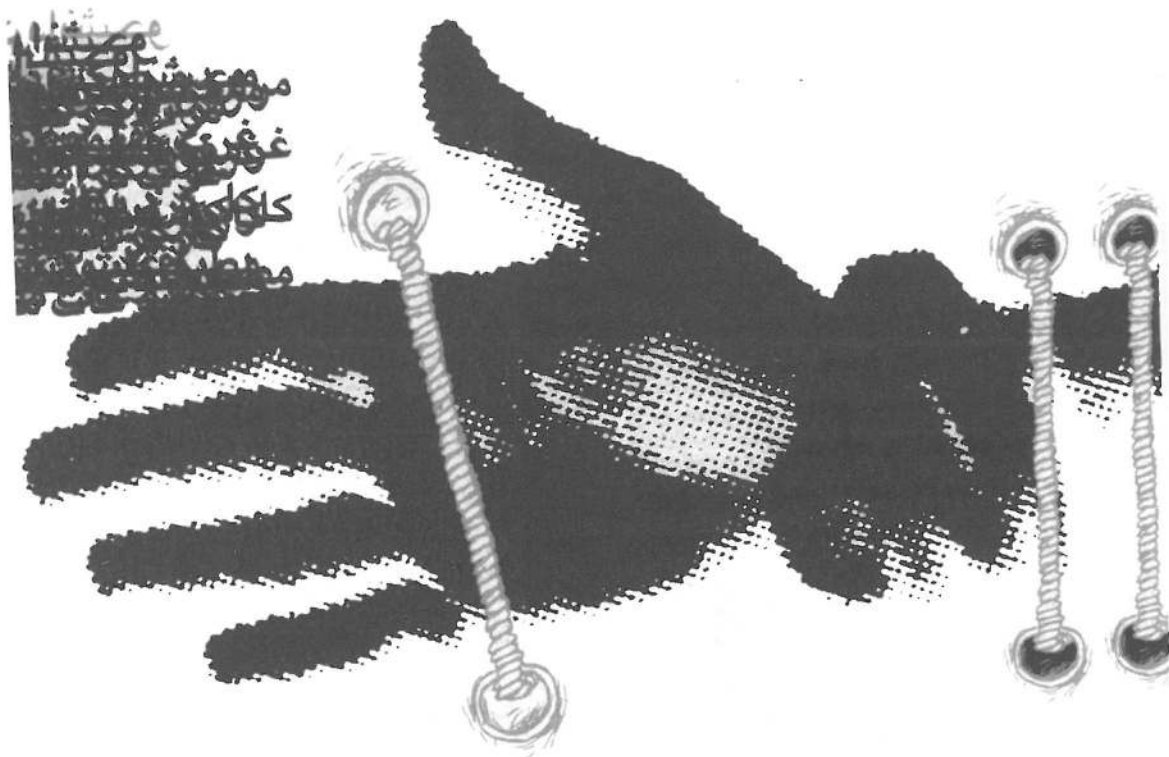
یکی از روشهای تنظیم تجارت از طریق محدود کردن واردات، ایجاد سهمیه است. همان گونه که اشاره گردید، تعرفه‌ها در توافقنامه‌ی کلی پذیرفته شده‌اند، ولی، جز در شرایط مقرر، سهمیه‌ها به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای صراحتاً در این توافقنامه ممنوع شده است. همچنین کشورها می‌توانند از طریق نظام‌های برقراری مجوز (لیسانس) از سهمیه به صورت قانونی و مشروع و با لحاظ کد «توافقنامه در خصوص روش اعطای مجوز واردات»<sup>۳</sup> بهره ببرند (۷: ص ۱۰۱.۱۰۰).

### بازرگانی دولتی

منظور از بازرگانی دولتی نظامی است که سازمانها یا مؤسسات دولتی خرید و فروش خارجی یا صادرات و واردات را انجام می‌دهند. این ماده مقرر می‌دارد که نباید بین بازرگانی دولتی و غیردولتی تبعیض باشد و دولتها نیز نباید هیچ معیاری برای تفاوت قایل شدن بین بازرگانی داخلی و خارجی در نظر گیرند.

اقدامات بازاریاگرایی و یارانه‌ها (دامپینگ و سوبسید) صدور کالا به کشور دیگر به کمتر از بهای واقعی و فروش ارزان‌تر آن در بازار خارجی نسبت به بازار داخلی را عمل بازاریاگرایی (دامپینگ) و کمکهای اقتصادی دولت برای کالاها را یارانه (سوبسید) گویند. فروش کالا در

با در نظر گرفتن  
گسترش حجم  
تجارت جهانی و  
اهمیت اقتصاد  
بین الملل بعید به  
نظر می‌رسد که  
کشوری بدون  
حضور فعال در  
تجارت بین المللی  
بتواند فعالیت‌های  
اقتصادی و  
تجاری خود را به  
صورت مطلوب  
انجام دهد، زیرا  
در حال حاضر  
حدود ۸۵ تا ۹۰  
درصد تجارت  
جهانی را  
کشورهایی انجام  
می‌دهند که عضو  
این سازمان  
جهانی هستند.



در واقع آنچه‌ان  
که نظریه‌های  
تجارت بین‌المللی  
ترسیم می‌نماید،  
کشورهای موفق  
در صحنه‌ی  
تجارت بین‌الملل،  
براساس اصل  
تقسیم کار و  
تخصص  
بین‌المللی در  
تولید و صادرات  
آن دسته از کالاها  
تخصص و مهارت  
یافته‌اند که منابع  
اولیه‌ی آن را اعم  
از انسانی یا  
فیزیکی در اختیار  
داشته‌اند.

داده شده‌اند. ماده XIX اقدامات اضطراری را نسبت به واردات محصولات خاص پیش‌بینی می‌کند. براساس این ماده کشورهای عضو آزاد هستند در حدود و مدت زمان لازم برای حمایت از یک صنعت یا محصول داخلی که به طور جدی صدمه دیده یا در معرض صدمه می‌باشد، تعهدات خود به موجب توافقنامه‌ی کلی را تماماً یا جزئاً (در حد لازم برای ممانعت یا جبران ضرر و زیان وارده) معلق، یا امتیازات برقرار شده را پس گرفته یا تعدیل نمایند. استثنائات کلی در ماده XX مورد بحث قرار گرفته‌اند که براساس آن تعهدات ناشی از توافقنامه‌ی کلی مانع از آن نخواهد بود که کشورهای عضو با در نظر گرفتن شرایط خاصی، تدابیر لازم برای مواردی چون حمایت از اخلاق عمومی، حمایت از بهداشت یا حیات انسان، حیوانات یا گیاهان، صادرات و واردات طلا و نقره و غیره را اتخاذ نمایند. ماده‌ی XXI استثنائات مربوط به امنیت ملی یک کشور را مطرح می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد در مواردی که منافع حیاتی است و امنیت ملی یک کشور مطرح است توافقنامه‌ی کلی برخلاف آن منافع تفسیر نخواهد شد (ص: ۱۰۵، ۱۰۶).

بازار خارجی به قیمتی کمتر از قیمت معمولی آن کالا به منظور در اختیار گرفتن بازار خارجی صورت می‌گیرد و مسلماً پس از آنکه آن کالا در بازار خارجی قرار گرفت و کالاهای رقیب از آن بازار خارج شد، این کالا به قیمت بسیار زیاد عرضه خواهد شد. توافقنامه‌ی کلی به کشور واردکننده‌ی آن کالا که از عمل کشور صادرکننده متضمن ضرر شده اجازه می‌دهد برای جبران آن تفاوت، عوارض ضد بازارشکنی (ضد دامپینگ) برای ورود آن کالا به کشورش وضع نماید. ممکن است دولتی به گونه‌ای دیگر عمل کند و در بازار داخلی کمک یا امتیاز اقتصادی خاصی برای محصولی در نظر گیرد، به طوری که آن محصول در (بازار داخلی) از نوع مشابه ارزان‌تر یا مناسب‌تر شود. این اقدام که اعطای یارانه است، چنانچه لطمه‌ی جدی و شدید به منافع سایر کشورهای عضو توافقنامه بزند باید محدود و از آن اجتناب شود (ص: ۱۰۲، ۱۰۵).

#### استثنائات

استثنائات خاصی نسبت به رعایت تعهدات ناشی از توافقنامه پذیرفته شده است. به طور مشخص سه ماده XIX, XX, XXI به این استثنائات اختصاص

## نحوه‌ی حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی سازمانی بین‌المللی است که اجرای تعهدات ناشی از موافقتنامه‌ی آن باید عمدتاً از رهگذر قوانین داخلی سازمان صورت گیرد. بنابراین کشورهای عضو با تصویب این قوانین از طریق قوه‌ی قانونگذاری خود متعهد می‌شوند که مقررات سازمان را در کشور خود به اجرا در آورند. همچنین لازم به ذکر است که چون این مقررات توافق بین دولتهاست و شهروندان به صورت مستقیم حقی را از این طریق به دست نمی‌آورند، لذا باید با تصویب قوانین داخلی روابط شهروندان را با سازمان تجارت جهانی تنظیم کرد. به عنوان مثال در ارتباط با نقض قواعد و مقررات سازمان آنجایی که عملاً به اتباع دولتهای عضو مربوط می‌شود، همانند سایر معاهدات بین‌الدولی اتباع نمی‌توانند هیچ گونه حقی یا امتیازی را مستقیماً مطالبه نمایند. در چنین مواردی طبق روال معمول سایر معاهدات بین‌المللی معمولاً باید برحسب مورد به مراجع رسمی بین‌المللی یا مراجع قضایی داخلی رجوع نمود، یعنی در وهله‌ی اول شکایت مربوط به عدم رعایت مقررات سازمان تجارت جهانی باید توسط دولتها در این مراجع اقامه شود. اما برخلاف روشهای پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل تاکنون هیچ دولتی در دعاوی مربوط به سازمان راههای جبران نقض تعهدات که در حقوق بین‌الملل عمومی یا در حقوق داخلی مقرر است، یعنی اعمال قاعده‌ی مراجعه‌ی مقدماتی به مراجع داخلی و اینکه طرح دعوی علیه دولت باید در دادگاههای داخلی آن دولت اقامه شود،<sup>۴</sup> را طی نکرده است. به عبارت دیگر، در واقع تاکنون هیچ دولتی دعاوی مربوط به سازمان تجارت جهانی یا توافقنامه‌ی کلی را موکول یا مشروط به به‌کارگیری راههای حل و فصل اختلاف مقرر شده‌ی داخلی یا بین‌المللی نکرده است (۷: ص ۱۰۷، ۱۰۸).

سازمان تجارت جهانی روش و آیین حل اختلاف خاص خود را دارد. پیش‌بینی روش اختصاصی حل و فصل اختلافات مربوط به سازمان در واقع مبین اهمیت و موقعیت خاص این سازمان در حقوق بین‌الملل بوده و بیانگر آن است که گرچه توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی قراردادهایی بین دول عضو می‌باشد، اما برای حل اختلافات یا مشکل تفسیر این قراردادها دادگاه

الحاق به WTO  
در وضعیت کنونی  
نه تنها سودی  
برای اقتصاد  
کشور نخواهد  
داشت، بلکه  
صنعت کشور را  
نیز در معرض  
آسیبهایی در  
صحنه‌ی تجارت  
بین‌المللی قرار  
خواهد داد.



بین‌المللی خاصی که بدان رجوع شود وجود ندارد، بلکه باید به مراجع مذکور در چارچوب سازمان رجوع شود. بنابراین یک کشور عضو باید در قانون داخلی خود روش اقامه‌ی دعوی در سازمان تجارت جهانی از طرف اتباع را پیش‌بینی نماید؛ یعنی از راه قانون این حق را برای شهروندان ایجاد کند تا برای دولت اثبات نمایند که مناسب و مقتضی است که آن دولت علیه دولت عضو دیگر در دفاع از منافع شهروند خود اقامه‌ی دعوی نماید، و بدین ترتیب دولت متبوع دعوی تبعه‌ی خود را به استناد اصل حمایت سیاسی پذیرفته و به‌عنوان دعوی خود علیه دولت دیگر اقدام کند.

### رابطه‌ی ایران با سازمانهای تجاری بین‌المللی

ایران هیچ‌گاه عضو گات نبوده است. بحث جدی راجع به عضویت آن اولین بار در سال ۱۳۷۰ در دوره‌ی اول ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و در چارچوب لزوم گسترش روابط بین‌المللی و تقویت روابط خارجی مطرح شد. با بررسی‌های انجام شده در آن دوره این نتیجه حاصل شد که عضویت در گات در کوتاه‌مدت برای کشور نفعی نخواهد داشت و به کاهش درآمدهای دولتی منجر خواهد شد، گرچه در درازمدت می‌تواند متضمن منافع برای کشور باشد که بررسی این امر نیاز به مطالعات بیشتر دارد. برخی پیشنهاد ارائه‌ی درخواست عضویت ایران را به دبیرخانه‌ی گات مطرح کردند، ولی در مقابل برخی دیگر به علت عدم اطمینان از پذیرفته شدن درخواست با چنین اقدامی مخالفت نمودند و خواستار این مسأله بودند که باید از موافقت اعضا نسبت به رفتار کشورهای کامله الوداد با ایران نیز اطمینان حاصل کرد، یعنی آن کشورها بازارهایشان را به روی ایران باز کرده و تمام امتیازات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را که به دیگر اعضا می‌دهند به ایران نیز بدهند بدون آنکه از ایران بخواهند بازارش را به روی آنها باز کند. در نهایت ایران تقاضای عضویت نداد و فقط در ملاقاتهای مسؤولان با دبیر کل گات علاقه‌ی ایران به عضویت ابراز شد. دومین بار که موضوع الحاق به گات در شورای عالی اقتصاد مطرح گردید سال ۱۳۷۲ بود که چون آن زمان نزدیک به اتمام دور مذاکرات اورگوته بود قرار شد ایران تصمیم عجولانه‌ای نگیرد تا تکلیف مذاکرات مشخص شود.

پس از تأسیس WTO کمیته‌ی کاری عضویت ایران در WTO تشکیل و پس از تهیه‌ی گزارشی کامل عضویت ایران را برای توسعه‌ی اقتصادی کشور، عملی حیاتی عنوان کرد و در تاریخ ۴ مهر ۱۳۷۵ تقاضای عضویت ایران رسماً به دبیرخانه‌ی WTO تقدیم شد، ولی از ایران تا مدتها بعد برای ارائه‌ی گزارش رژیم تجاری و شروع مذاکرات دعوتی به عمل نیامد با این توجیه که در مورد شروع مذاکرات با ایران در مجمع عمومی اجماع (Consensus) وجود ندارد. علت اصلی رد تقاضای ایران در سالهای گذشته جو سیاسی حاکم بر سازمان تجارت جهانی به خصوص مخالفت شدید ایالات متحده‌ی امریکا با پذیرش تقاضای ایران بوده است (۵).

سرانجام در خرداد ۱۳۸۴ گروه مذاکره‌کنندگان ایران به سرپرستی محمد شریعتمداری، وزیر بازرگانی کشور برای بیست و دومین بار درخواست خود را در برن سوئیس ارائه کرد و پس از آن با نظر موافق اعضا ایران به‌عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. (۸) پذیرش عضویت ناظر ایران قطعاً آغاز راه است. باید ضوابط، قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط همگی هماهنگ با قوانین جاری در سازمان تجارت جهانی باشد. در خصوص روند الحاق ایران پس از این مرحله باید بیان داشت که توافقات برای حضور ایران در کمیته‌ی مذاکرات نهایی می‌شود و نتیجه‌ی این گفت‌وگوها در مجمع عمومی WTO مطرح و در صورت تصویب، عضویت ایران رسمی می‌شود و از آن زمان به بعد تعرفه‌ها و قوانین تجاری ضمانت اجرا پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به جمیع شرایط ایران راه طولانی حداقل ۱۰ ساله را در فرایند الحاق در پیش دارد.

آنچه مشخص است این است که مذاکرات، پس از تعریف نظام تجاری آغاز می‌شود که زمان آن را سال ۲۰۰۶ اعلام کرده‌اند و اکنون ایران به‌عنوان عضو ناظر می‌تواند در تمام نشست‌ها، کمیته‌های فنی و حتی کمیته‌ی رفع اختلاف شرکت کند و به ارائه‌ی پیشنهاد هم بپردازد؛ و قطعاً اکنون بهترین فرصتی است که ایران از تجربیات دیگر کشورها می‌تواند استفاده کند. البته مدت زمان مذاکرات قابل پیش‌بینی نیست به صورتی که در مورد قرقیزستان ۲ سال و ۷ ماه و در مورد چین ۱۵ سال به طول انجامید و در مورد روسیه نیز همین روند طولانی ادامه دارد.

الحاق به سازمان تجارت جهانی در بلندمدت امری اجتناب‌ناپذیر است، ولی در عین حال ما شاهد وجود موانع و مشکلاتی بر سر راه عضویت کشور در WTO هستیم که لزوم رفع آنها امری ضروری است.

## ضرورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

با در نظر گرفتن گسترش حجم تجارت جهانی و اهمیت اقتصاد بین‌الملل بعید به نظر می‌رسد که کشوری بدون حضور فعال در تجارت بین‌المللی بتواند فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را به صورت مطلوب انجام دهد، زیرا در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی را کشورهای انجام می‌دهند که عضو این سازمان جهانی هستند.

کشوری که مایل است در صحنه‌ی اقتصاد و تجارت جهانی سهمی را از آن خود نماید ناگزیر از توجه به توافقات و تعهدات بین‌المللی در زمینه‌ی تجارت می‌باشد. با توجه به اینکه اقتصاد ایران از یک سو واردکننده‌ی حجم عظیمی از کالا و خدمات از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌باشد و از سوی دیگر صادرکننده‌ی محصولات غیرنفتی به این کشورهاست، توسعه‌ی بازارهای کنونی و پیدایش بازارهای جدید امری اجتناب‌ناپذیر است و تحقق چنین هدفی رعایت توافقات بین‌المللی را از سوی ایران ضروری می‌سازد.

در واقع آنچنان که نظریه‌های تجارت بین‌المللی ترسیم می‌نماید، کشورهای موفق در صحنه‌ی تجارت بین‌الملل، براساس اصل تقسیم کار و تخصص بین‌المللی در تولید و صادرات آن دسته از کالاهایی تخصص و مهارت یافته‌اند که منابع اولیه‌ی آن را اعم از انسانی یا فیزیکی در اختیار داشته‌اند و با عنایت به اصل حداقل هزینه‌ی تولید و براساس بهره‌مندی از مزیت نسبی ملاک و معیار نوع کالاهای تولیدی خود را انتخاب نموده‌اند. ایران نیز ناگزیر به پیروی از این اصول می‌باشد (۴).

طرفهای تجاری جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان عضو سازمان تجارت جهانی هستند، لذا از نظر روابط دوجانبه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. همچنین عضویت در سازمان تجارت جهانی که به رکن اصلی مذاکرات تجاری و اقتصادی جهان تبدیل شده است به لحاظ موقعیت جغرافیایی و استراتژیک کشورمان اهمیت زیادی خواهد داشت. البته با بررسی وضعیت فعلی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد موانع قابل توجهی از جمله محدودیتهای اقتصادی و حقوقی بر سر راه عضویت ایران وجود دارد که بررسی اجمالی آنها خالی از اهمیت نمی‌باشد.



از طریق سازمان تجارت جهانی و به وسیله‌ی توافقاتنامه‌های منعقد، یک نظام تجاری نسبتاً آزاد و مبتنی بر عدم تبعیض، بین اعضا ایجاد خواهد شد. در این نظام حقوق و تعهدات بدین صورت است که هر کشور عضو برای برخورد عادلانه با کالاهای صادراتی‌اش از طرف دیگر کشورهای عضو، تضمین‌هایی را دریافت می‌کند و متقابلاً این کشور نیز تعهد می‌کند که برای واردات کالاهای دیگر کشورهای عضو به بازار خودش همین‌گونه عمل کند

## موانع پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی

لزوم بسترسازی اقتصادی و حقوقی در راستای الحاق به WTO: هر کشور در صحنه تجارت آزاد بین‌المللی دارای مبانی و نظام حقوقی و اقتصادی خاصی است که در برخی موارد مغایر و یا ناسازگار با مقررات سازمان تجارت جهانی است و لذا برای بهره‌مندی از مزایای نظام تجارت آزاد هر کشور ملزم به رفع این موارد می‌باشد.

با بررسی برخی از مطالعات در این زمینه، مقررات و اصول گات در برخی از امور با اصولی از قوانین کشور از جمله قانون اساسی و قوانین موضوعی دیگر نظیر قوانین بانکداری، بیمه، سرمایه‌گذاری خارجی و غیره در ناسازگاری مستقیم یا غیرمستقیم قرار دارد و انجام تغییرات و تمهیداتی که با حفظ ارزشهای حاکم بر نظام اقتصادی و حقوقی کشور زمینه‌های حقوقی لازم و مناسب برای الحاق کشور به سازمان تجارت جهانی را فراهم سازد، لازم است. البته بررسی ابعاد اقتصادی مسأله نیز درخور اهمیت است، به صورتی که در محدوده‌ی موانع و محدودیتهای اقتصادی می‌توان به تأثیر عضویت بر بخشهای مختلف اقتصاد و توانمندیهای بالقوه و بالفعل اشاره نمود.

در خصوص بحث تطبیق برخی از قوانین و مقررات حاکم بر کشور با قواعد گات دو دسته قوانین را باید مورد بررسی قرار داد: اولاً، بررسی تطابق یا عدم تطابق اصول و قوانین مهم و مؤثر در محدوده‌ی سیاستگذاری و ثانیاً، بررسی تطابق یا عدم تطابق قوانین موضوعی - تخصصی در اتخاذ رویه و روشهای اجرایی. با بررسی‌های به عمل آمده، می‌توان ناسازگارهای نظام تجارت آزاد جهانی مبتنی بر توافقات تجاری را در خصوص بعضی قوانین کشور به این صورت بیان کرد: ۱. قانون اساسی ۲. قانون انحصار تجارت خارجی ۳. قوانین مقررات صادرات و واردات.

الف. قانون اساسی: قانون اساسی در هر کشور به‌عنوان روح حاکم بر کلیه قوانین از اولویت و اهمیت بسزایی برخوردار است، از آنجایی که برخی از اصول این قانون ناسازگارهای به‌طور صریح و یا ضمنی با قواعد سازمان تجارت جهانی دارد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که این اصول به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اصل ۴. لزوم تطبیق کلیه قوانین با موازین اسلامی: در این رابطه به‌عنوان مثال بند ۴ ماده‌ی ۱۶ موافقتنامه‌ی تأسیس سازمان تجارت جهانی هر عضو را ملزم به تطبیق

قوانین و آیین‌نامه‌های اداری خود با تعهداتش در گات می‌نماید. به نظر می‌رسد در این زمینه امکان بروز تعارض وجود خواهد داشت.

اصل ۴۴. نظام اقتصادی ایران بر پایه‌ی سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی استوار است که بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی و معادن بزرگ است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. از جمله تعارضات صریح میان قواعد گات و قوانین کشور در این اصل نمایان است که دولتی بودن تجارت خارجی را مطرح می‌نماید. براساس اصول و قوانین گات، آزادسازی تجاری از جمله اصول اولیه‌ی حاکم بر گات می‌باشد که کشورها می‌باید در آغاز پیوستن به سازمان تجارت جهانی آن را مورد توجه قرار دهند. به‌عبارت دیگر به نظر می‌رسد محتوای اصل ۴۴ قانون اساسی با هدف نهایی گات که آزادسازی هر چه بیشتر تجارت خارجی است، در سازگاری کامل نباشد و در نظر گرفتن تعدیلاتی در خصوص قوانین مربوط به نظام اقتصاد خارجی کشور ضروری به نظر می‌رسد. اقدامات اخیر کشور به‌خصوص فرمان اخیر مقام رهبری در مورد این اصل در صورت عملی شدن گامی جهت نزدیکتر شدن به رفع موانع پیوستن به سازمان تلقی می‌شود.

اصل ۷۷. لزوم تصویب عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی توسط مجلس شورای اسلامی: با توجه به ساختار WTO هر دو سال یک بار نمایندگان کشورهای عضو به‌منظور تبادل نظر و اتخاذ توافقات تجاری تشکیل جلسه داده و در صورت نیاز تصمیم‌گیری‌هایی انجام می‌دهند. لذا ضروری است به‌منظور تسهیل فرایند تصمیم‌گیری، قانونی اتخاذ گردد که ضمن نظارت مجلس امکان اتخاذ تصمیمات راجع به توافقات تجاری میسر شود.

اصل ۸۱. ممنوعیت دادن امتیاز تأسیس شرکت و مؤسسات تجاری صنعتی کشاورزی به خارجی‌ان: واضح است که این اصل در ناسازگاری با اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش آن‌که یکی از اهداف توافقات تجاری بین‌المللی است می‌باشد.

اصل ۱۳۹. صلح دعوی راجع به اموال دولتی و یا ارجاع آن به داوری باید به اطلاع مجلس و تصویب هیأت وزیران برسد و در موارد مهم داخلی و در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد، باید به تصویب مجلس نیز برسد. در این رابطه در توافقات تجاری جهانی مرجع حل اختلافی که مسؤول رسیدگی به اختلاف تجاری میان کشورهای عضو می‌باشد به‌صورت اختصاصی، مورد توافق قرار گرفته و

با توجه به وجود ناسازگاری‌های احتمالی که میان برخی از قوانین سازمان تجارت جهانی و مقررات تجاری حقوق ایران موجود است، تلاش برای رفع این‌گونه ناسازگاریها قبل از هر اقدامی در جهت عضویت، ضروری است.



از قواعد تخصصی و موضوعی کشور هستند که کاملاً مطابق با قواعد و اصول سازمان تجارت جهانی نیستند و انجام تحقیقاتی در این زمینه و ارائه تفاسیر قانونی جدید در جهت وضوح بیشتر اهداف قانونگذار امری لازم می‌باشد. در خصوص مزیت نسبی و موقعیت بخش صنعت نیز قابل ذکر است که براساس مطالعات صورت گرفته در بخش صنعت با بررسی‌یی که از ملاک‌های ارزیابی صنعتی ایران از جمله ارزیابی، ارزش افزوده، به کار بردن نرخ دستمزدها، بهره‌وری و... انجام پذیرفته نشان می‌دهد که در موقعیت فعلی صرفاً برخی از صنایع کشور نظیر صنایع غذایی یا نساجی از مزیت و جایگاه نسبتاً بهتری در مقایسه با سایر صنایع برخوردار هستند. ولی در یک بررسی تطبیقی در سطح بین‌الملل مشاهده می‌کنیم که اغلب صنایع کشور از مزیت نسبی ضعیفی برخوردارند و تقریباً قدرت رقابت آنها در صحنه بین‌المللی منتفی است. به عبارت دیگر الحاق به WTO در وضعیت کنونی نه تنها سودی برای اقتصاد کشور نخواهد داشت، بلکه صنعت کشور را نیز در معرض آسیب‌هایی در صحنه تجارت بین‌المللی قرار خواهد داد، مگر آنکه اقدامات جدی در تطابق نظام تجاری کشور با نظام بین‌المللی انجام گیرد.

دخالت قوه‌ی قانونگذاری هیچ یک از کشورهای عضو در این رابطه مطرح نشده است.

ب. قانون انحصار تجارت خارجی: که طبق سه ماده‌ی اول این قانون تأکید بر محوری بودن نقش دولت در نظام بازرگانی خارجی نمایان است و همان‌گونه که قبلاً بیان شد این موارد با اصول موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی ناسازگار می‌باشد.

ج. قوانین و مقررات صادرات و واردات: به‌عنوان مثال در ماده‌ی ۳ این قانون کالاهای صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیرمجاز و ممنوع تقسیم شده است که با قوانین گات در خصوص دسترسی به بازار (اصل ۱۶) مغایر می‌باشد. همچنین در ماده‌ی ۳۱ از این قانون دولت موظف است واردات کالاهایی را که در داخل کشور به مقدار نیاز تولید می‌شود یا امکانات بالقوه‌ی تولید آنها فراهم است را در صورتی که منجر به تورم قیمت کالاهای اساسی نشود غیرمجاز اعلام نماید. در صورتی که طبق اصول ۱ و ۲ مقررات عمومی تعرفه و تجارت، تجارت بین‌المللی باید براساس اصل عدم تبعیض استوار باشد و صنایع داخلی باید براساس تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق موانع تجاری یا ممنوعیت ورود حمایت شوند (۴). همچنین موارد دیگری

در خصوص مسائل اقتصادی شناسایی توانایی‌های بالقوه‌ی اقتصاد به‌ویژه در بخش‌های اصلی چون صنعت و توسعه‌ی قدرت رقابتی در محصولات صادرات صنعتی از طریق بسترسازی‌های مناسب اقتصادی، حقوقی و سیاسی قبل از عضویت در WTO و استفاده‌ی کامل از مزایای این عضویت نکته‌ای درخور توجه است